

تک برگی راه کارگر

روزنامه سیاسی، کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلاب، ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمانگر شماره 190 یکشنبه 3 اسفند 1382 --- 22 فوریه 2004



درس های انتخابات فرمایشی مجلس هفتم بهر روز سورن

انتخابات فرمایشی مجلس هفتم به رغم تحریم اکثریت مردم، برگزار شد و طبق پیش بینی های محافل رژیم " مشیت محکمی بر دهان استکبار جهانی و دشمنان اسلام کوبیده شد" ، امت حزب الله با اکثریت مطلق در این انتخابات شرکت کردند!! و مجلس انباشته از نمایندگان جناح انحصار طلب خواهد شد.

بقیه در صفحه 2

برگی از تاریخ

به انگیزه سالگرد کودتای اسفند 1299 آرش کمانگر

خواست برخورداری از یک جمهوری مبتنی بر دموکراسی ، بیش از هر زمان همه گیر شده است ، اما آیا میدانید هشتاد سال پیش نیز در جریان انحلال سلسله قاجار ، مردم ایران شانس تحقق چنین ایده ای را داشتند اما رضا خان و متحدینش ، آنرا سوزاندند ؟ ص 3

اخبار اعتراضات توده ای علیه انتخابات فرمایشی رژیم و مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران ص 9

نامه اعتراضی کنفدراسیون بین المللی کارگران به خاتمی ص 7

اعلام موجودیت نهاد " نگذاریم بم فراموش شود " ص 8

پیروزی جنبش تحریم و شکست فضاحت بار رژیم اسلامی بر ما و شما مبارک باد !

درست یکسال قبل در همین ماه اسفند بود که اکثریت مردم در شهرهای بزرگ و متوسط ایران با تحریم دومین دوره انتخابات شوراهای اسلامی ، به هر دو جناح رژیم " نه " گفتند و پایان دوران امید به اصلاح و استحاله جمهوری اسلامی را اعلام کردند . روز جمعه اول اسفند نیز در جریان بالمکاسکه انتخابات مجلس هفتم ، آنها بار دیگر - و البته وسیع تر از سال گذشته - این " نه " پرشکوه را فریاد زدند. مردم اراده خود را به دو شیوه بیان کردند : 1- با ماندن در خانه و خلوت کردن خیابانها (که تاکتیک اکثریت مردم در بیشتر شهرها بود) 2- از طریق برهم زدن نمایش انتخابات و یا برپایی اعتراضات توده ای در روز بعد از انتخابات به بهانه تظاهرات رژیم به نفع این یا آن کاندیدا.

در چهار شهر کردستان و نیز در شهرهای ایذه ، فیروزآباد ، ملکان ، دهدشت ، بوشهر ، گناوه و ایرانشهر ، گزارشاتی از اعتراضات توده ای منتشر شده که در ایذه ، دهدشت و فیروزآباد این درگیریها سبب کشته و مجروح شدن شماری از اهالی گردیده است . بر طبق ادعای اصلاح طلبان دولتی حدود 45 درصد و بر طبق ادعای محافظه کاران حدود 55 درصد واجدین شرایط در کل کشور در انتخابات مذکور شرکت کردند که البته شامل آرای تقلبی ، باطله و سفید نیز میشود . با این همه در اکثر شهرها یعنی کانون اصلی سیاست در ایران ، بین 80 تا 65 درصد مردم ، از شرکت در رای گیری خودداری ورزیدند . در تهران به اعتراف وزارت کشور تنها حدود 28 درصد مردم در انتخابات شرکت کردند. بدین ترتیب علیرغم تبلیغات ، تهدیدات و تقلبات گسترده تمامیت خواهان ، انتخابات فرمایشی اول اسفند به ناکامی رژیم و پیروزی مردم منجر گشت. اینک باید به ادامه مبارزه و جگونگم آن فکر کرد . دیگر " نه " بس است !

فرج سرکوهی ، پس از
شکست " اردوگاه واقعا
موجود اصلاح طلبان "
علی یوسفی ص 5

ادامه از صفحه یک

درسهای انتخابات فرمایشی



بی شک چنانچه در مجلس ششم تصویب لوایح معتدل تر و آمیخته به "اصلاحات اسلامی" در چارچوب نظام حاکم به دیوار استبداد و نهادهای محافظ آن برخورد می کرد، از این پس حاکمیت با یکپارچگی بیشتری به تصویب لوایح خواهد پرداخت و به نیت ضدردمی خود جامه عمل خواهد پوشاند.

جمهوری اسلامی با برگزاری انتخابات فرمایشی اخیر یک بار دیگر و شفاف تر از همیشه نشان داد که در این نظام آنچه که "عددی" به حساب نمی آید همانا خواست و تمایل جامعه سیاسی و مردم کشورمان می باشد. نظام حاکم آن میکند که می خواهد و سرنیزه و چماق را نیز چاشنی اجراء اهداف شوم خواهد کرد.

این انتخابات تغییرات عدیده ای در صحنه سیاسی کشورمان ایجاد خواهد کرد که مهمترین آن پرتاب شدن طیف اصلاح طلبان از دایره قدرت می باشد. در واقع همانطور که انتظار میرفت این طیف بنابر جایگاه حاشیه ای خود در دایره قدرت و دور بودن از مرکز قدرتی آن نمی توانست در گردش های سخت دایره حکومتی تاب و توان ماندن در حاکمیت را داشته باشد و لازمه آن را تن دادن به تمامی تحجرات و مطالبات ارتجاعی تمامیت خواهان می دانست. خروج از حاکمیت را بعنوان تنها راه حیات سیاسی خود دانسته و به صفوف "پائینی ها" ناگزیر ملحق شدند. چنانچه تحریم انتخابات مجلس هفتم برای مردم کشورمان نوعی تهاجم به استبداد و دفاع از آزادی و دموکراسی معنی می شد، برای اصلاح طلبان خصلت تدافعی داشت. دفاع از خود در برابر جناح مسلط که با دفاع از نمایندگان رد صلاحیت شده برابر میشد. اینگونه و در چنین شرایطی با توجه به خصلت متفاوت جنبش مردمی در دفاع از آزادی و دموکراسی با اصلاح طلبان که این دو پدیده را تنها در تائید صلاحیت طیف خود میدیدند، تحصن نمایندگان آنان در مجلس با کم تفاوتی در عرصه اپوزیسیون و عدم حمایت های مردمی در اشکال مادی و معنوی آن روبرو شد. سرسختی و عدم انعطاف جناح مقابل و جدائی این طیف از مردم (مقصران به تقصیر) راهی جز استعفا در مقابل آنان قرار نداد.

همچنین واقعه انتخابات فرمایشی مجلس هفتم میخ نهائی و قطعی برتابوت اندیشه امکان اصلاح شدن رژیم از درون نیز میباشد. اندیشه ورزان اصلاح طلب و رفورمیست در صفوف اپوزیسیون داخل و بخصوص در خارج از کشور که

تا آخرین لحظات در انتظار فرمان مشارکتی ها و نمایندگان متحصن مانده بودند. برخی نیز مانند آقای کشتگر بوی انقلاب به مشامشان خورده بود و رهنمودها و نسخه های پیوستن به هسته اصلی و مرکزی انقلاب در مجلس برای مردم و جامعه روشنفکری در حمایت از نمایندگان معترض می نوشتند. آیا ایشان امروز از خود می پرسند که چرا مردم از رهنمودهای ایشان و ناحیان نشستند در مجلس (نمایندگان متحصن) پشتیبانی نکردند؟ چرا شهروندان ایرانی علیرغم عدم حمایت از این جناح و رهنمودهای ایشان، از تحریم انتخابات فرمایشی رژیم پشتیبانی نمودند؟

این طیف بر حسب عادت تاریخی خود همواره در میان حکومتیان بدنبال ناجی و منجی می گردد از این پس نیز بایستی طرحی نو دراندازد و به جستجوی اصلاح طلبان نوین درحاکمیت پردازد تا بتواند در خدمت "انحراف نوین" جنبش مستقل و اصیل مردمی از پائین درآید.

از سوی دیگر هیچ گاه و در هیچ مقطعی از تاریخ بیست و پنج ساله رژیم جمهوری اسلامی، فقهای حاکم درانفرد و عزلتی اینچینی فرار نگرفته اند و در هیچ مقطعی عیار اتحاد و همبستگی در عمل اپوزیسیون ترفیخواه این گونه بالا نبوده است. خروش همه جانبه دموکراتیک این طیف همراه با سکوت و خانه نشینی اکثریت مردم کشورمان قدرتی را به فضای سیاسی کشورمان عرضه کرد که نه تنها حاکمیت بلکه جامعه بین الملل را نیز در روند ارتباطی خود با رژیم بی تاثیر نخواهد گذاشت. جمهوری اسلامی پی برده است که از این پس و با توجه به نیروی بالقوه و متحدانه مخالفانش هر نوع انتخاباتی و هر آن زمان که گفتگو از مشارکت مردم باشد، آن نمایش به کابوسی سیاه برای حکومت تبدیل خواهد شد. حاکمیت پی برده است که نوع عقب نشینی در برابر منتقدان و مخالفانش به گسترش امواج ضد استبدادی تبدیل خواهد شد و می تواند کاخ ستم آنان را بر سرشان آوار کند.

حذف اصلاح طلبان و پرتاب آنان به حاشیه ها بوضوح نشان داد که دو قطب واقعا موجود در جامعه نه دو طیف حکومتی بلکه صفوف پیشمار کارگران و مزد بگیران کشورمانند مقابل رژیم می باشند و اصلاح طلبان نیز بعنوان طیفی حاشیه ای و بی هویت بلحاظ تاریخی، بایستی بروشنی معین کنند که در کنار کدامین ایستاده اند.

انتخابات مجلس هفتم جمهوری اسلامی گویای آن نیز بود که تا ایجاد ارتباطی مادی و نظری میان مردم و اپوزیسیون دمکرات و مردمسالار گامهایی بیش نمانده است و این همان مقوله ای است که در طی بیست و چند ساله اخیر از نقاط ضعف بزرگ پراکندگی ها چه در صفوف مبارزاتی مردم کشورمان و چه در میان اپوزیسیون واقعا موجود بشمار رفته است.

گذشت زمان وسایش با تلاطمات متنوع مراحل مبارزاتی این جنبی از الزامات مبارزه سیاسی پرتوان با استبداد مذهبی حاکم است و این تمرین و درس بزرگی برای تمامی نیروهایی است که برای جامعه ای مردم سالار و لائیک مبارزه می کنند. نیروهای اپوزیسیون مردم سالار با درک صحیح از شرایط موجود می توانند در راستای تحولی کیفی در ارتباطات تنگاتنگ با مبارزات جاری طبقات و طیف های گسترده اجتماعی کشورمان قرار گیرند و آگاهی مبارزاتی را به خود بخودی جنبش های موجود بیافزایند.

آمده، بی آنکه کلامی در رد کودتای پدر بزرگ و پدرش بر زبان آورد. این خود نشان میدهد که "شاهزاده" همچنان دل در گرو "شجره طیبه" دارد. ||

برای بررسی نحوه تحقق کودتای اسفند 1299 خورشیدی و چند سال بعد، تأسیس رسمی سلسله پادشاهی پهلوی، لازم است، پیش زمینه های تاریخی و سیاسی این کودتا را مرور کنیم؛ برای این منظور، ضروریست با تکیه بر برخی منابع و بررسیهای تاریخی، اوضاع ایران را از ناکام شدن انقلاب مشروطه، پی گیریم .

1- آغاز و پایان انقلاب مشروطه

انقلاب مشروطه ایران زمانی شروع شد که انقلاب اول (ولی ناکام روسیه) در اوج اعتلای خود بود. اخبار مربوط به زمین لرزه سیاسی در امپراتوری تزاری- یکی از دو کشور استعماری ذی نفوذ در ایران- از طریق کارگران مهاجر ایرانی شاغل در قفقاز به کشور ما میرسید. در پرتو این تأثیر و نیز فساد و ورشکستگی و در یوزه گی کامل حکومت قاجار و وابستگی روز افزون آن به استعمار انگلیس و روسیه تزاری، در دسامبر 1905 (آذر ماه 1284 شمسی) بخشی از تجار، پیشه وران، روحانیون و مردم تهران در اعتراض به فلک بسته شدن چند تاجر شکر توسط حکومت مرتجع معروف "عین الدوله" (صدر اعظم مظفرالدین شاه) در مسجد شاه دست به تحصن زدند و خواست ایجاد عدالت خانه را مطرح کردند. این تحصن بعد از پراکنده گردیدن توسط ماموران نظامی، به "شاه عبدالعظیم" کشیده شد. مظفرالدین شاه برای جلوگیری از رشد اعتراضات، فرماندار بنام تهران را از کار بر کنار کرد و در ژانویه 1906 قول ایجاد عدالت خانه را داد. اما نه شاه و نه عین الدوله عملی مبنی بر اجرای قول خود صورت ندادند. لذا دامنه اعتراضات به سایر شهرها کشیده شد، در این مرحله، دیگر خواست جنبش، به تأسیس عدالت خانه (دادگستری) و جلوگیری از خشونت و فعال مایشاتی مامورین حکومتی خلاصه نمی شد، بلکه ضرورت تدوین قانون اساسی، تأسیس یک مجلس قانونگذاری و متوقف کردن اعطای امتیازات انحصاری به اتباع و دول خارجی نیز در دستور قرار گرفت. مظفرالدین شاه چند ماه بعد در آگوست 1906 فرمان تدوین قانون اساسی و در سپتامبر همان سال فرمان مربوط به مقررات برگزاری انتخابات مجلس را صادر کرد. البته بر طبق این مقررات، حق رأی (چه برسد به حق نمایندگی) منوط به ثروت و دارایی فراوان شده بود، یعنی نه تنها نیمی از جمعیت یعنی زنان، حق رأی نداشتند، بلکه اکثریت عظیم مردم یعنی دهقانان، کارگران و پیشه وران نیز از این حق محروم بودند. در پی این فرمان، در اکتبر 1906 اولین دوره مجلس ایران، بخش اول قانون اساسی را تدوین نمود که پس از "نوشیخ" شاه، به تصویب رسید. اما مقاومت مردم هم برای تکامل انقلاب و هم برای جلوگیری از تعرض ارتجاع جهت باز پس گیری امتیازات ناچیز کنونی، ادامه یافت، بطوریکه در سال 1907 در اوج خود بود. کشف و استخراج نفت در جنوب غربی ایران و تسلط انگلیس بر آنها، شکل گیری اولین اتحادیه های کارگری و آغاز اعتراضات دهقانان، از مشخصه های این دوره بود. به میدان آمدن توده های "عادی" سبب وحشت تجار، روحانیون و مالکان "لیبرال" شد که در خواست شان از اصلاحات، صرفاً به یک

بزرگی از تاریخ

به انگیزه سالگرد کودتای اسفند 1299 (فوریه 1921)

= قسمت اول = آرش کمانگر

مقدمه:

|| انقلاب 1905 در روسیه، بیداری آسیا را به دنبال آورد، تأثیر آن در ایران، انقلاب مشروطه بود که از عروج تا افول، شش سال بطول انجامید. آن انقلاب ناکام، اولین تلاش سیاسی بزرگ مردم کشورمان برای برخورداری از دموکراسی و منزلت انسانی بود. یک دهه بعد بدنبال بروز جنگ جهانی اول و پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر 1917 در روسیه که در یک اقدام بیسابقه کلیه قرار دادهای اسارتبار روسیه تزاری در قبال ایران را لغو کرده بود، موجی دیگر از جنبش های آزادیخواهانه و رهانبیخش، کشور ما را فرا گرفت. این جنبش ها بویژه بدنبال تلاش استعمار بریتانیا برای تحمیل قرار داد اسارتبار 1919 به کشور ما- که معنایی جز به مستعمره کشیدن کامل ایران توسط انگلیس نداشت- ابعاد وسیعی پیدا نمود. وجه مشخصه این جنبش ها این بود که نه تنها فراتر از انقلاب مشروطه بر تحقق آزادی و دموکراسی پای می فشردند و از استقلال کشورمان در برابر استعمار گران حمایت می کرد، بلکه برای نخستین بار، خواست عدالت اجتماعی و ضرورت پایان دادن به مناسبات طبقاتی فئودالی را نیز بر پرچم مبارزاتی خود حک نمود .

مردم ایران در آن سالها، حتی فراتر از پایان دادن به عمر سلطنت تبهکار قاجار، اولین بار ایده استقرار یک جمهوری را در صحنه سیاسی کشور طرح نمودند. اما کودتای انگلیسی سوم اسفند 1299 که مشترکاً توسط "سید ضیاء" و "رضا خان" بمورد اجرا در آمد، جلوی انکشاف این جنبش رهانی بخش را گرفت. رضا خان اگر چه در ابتدا خود را مستقل، مدافع انحلال سلسله قاجار و استقرار جمهوری به سبک ترکیه (پس از انقراض سلسله عثمانی) معرفی میکرد، اما در خفا رویای دیگری در سر داشت. مردم ایران خیلی زود متوجه شدند که وی هدفی جز استقرار نوع دیگری از دیکتاتوری موروثی و سلطنتی ندارد. بنابراین، مردم ما تنها در یکصد سال پیش (انقلاب مشروطه) و با نیم قرن بعد (در جریان کودتای 28 مرداد 32) نبود که شانس خود را برای برخورداری از نوعی دموکراسی، از کف دادند، در هشتاد سال پیش نیز، ما چنین شانس داشتیم، اما رضا خان میر پنج آنرا از ما گرفت، همچنانکه جانشین اش (محمد رضا پهلوی) آنرا از مردم گرفت. اکنون نوه و فرزند آن دو (آقای رضا پهلوی) یک ربع قرن پس از انقراض سلطنت پهلوی در ایران، با پرچم "دموکراسی خواهی" به میدان

برگی از تاریخ

مشروطه نیم بند خلاصه می شد. به موازات این تحولات، انجمن های سیاسی و نشریات و دستجات رزمنده مخفی و شبه نظامی که به آنها " مجاهد" و " فدائی " می گفتند شکل گرفتند. شاه در یک عقب نشینی دیگر، متمم قانون اساسی را نیز (اکتبر 1907) امضاء کرد. در همین سال روسیه و بریتانیا توافقنامه ای را در مورد ایران که هدف از آن به استعمار کشیدن ایران بود را امضاء می کنند، این قرار داد ننگین نیز انگیزه دیگری برای گسترش مبارزات مردم می شود. دولت و مجلس از ترس مردم، موافقتنامه مذکور را برسمیت نمی شناسند.

این مسئله سبب خشم ارتجاع و محمد علی شاه (که اکنون جایگزین مظفرالدین شاه شده بود) می شود چون آب و نان خاندان قاجار و درباریان، وابسته به رشوه ها و وامهایی بود که روس و انگلیس و ... در ازای غارت منابع کشور و دریافت امتیازات تجاری، حاضر به اعطای آن بودند. به همین خاطر در ژوئن 1908 به فرمان محمد علی شاه، دسته های نظامی قزاق ایران که تحت فرماندهی سرهنگ لیاخوف روسی قرار داشتند، مجلس را به توپ می بندند، بدنبال تعطیلی مجلس و انجمن ها، نشریات نیز توقیف شدند. بدنبال این کودتای ضد انقلابی، مرکز مقاومت به تبریز منتقل شد. در آن زمان تبریز بدلیل تأثیر گیری از اروپا و افکار انقلابی سوسیال دمکراتهای قفقاز، از لحاظ سطح آگاهی سیاسی، نسبت به بسیاری از نقاط ایران، در وضعیت مطلوبتری بسر میبرد. به هر رو مردم آذربایجان به رهبری شخصیت های جسوری چون سنار خان و با یاری گرفتن از دستجات داوطلب و انقلابی ماوراء قفقاز، قیام مسلحانه ای را بر علیه شاه و با هدف احیای مشروطه و مجلس و آزادیهای نسبی، آغاز و رهبری کردند. این مقاومت شورانگیز سبب قوت قلب مردم در سایر نقاط ایران شد و در شهرهای اصفهان، رشت، بوشهر، بندر عباس و .. شورش های مردم شکل گرفت که در بسیاری موارد سبب تسلط مجاهدین بر شهر ها و استانها می شد. در چنین وضعیتی که قشون محمد علی شاه پی در پی شکست خورده و متواری می شدند، انگلیسی ها، واحدهای نظامی خود را در بندر بوشهر، بندر عباس و بندر لنگه، پیاده کرده و خیزش های جنوب را سرکوب کردند، روسیه تزاری نیز در آوریل 1909 قشون خود را روانه تبریز کرد تا به قیام آنجا نیز پایان دهند. اما در پی حمله فدائیان گیلان و دستجات بختیاری به تهران، قوای ضعیف شده محمد علی شاه از پای در آمدند و پایتخت بدست مشروطه خواهان افتاد و محمد علیشاه از سلطنت، خلع و پسر جوان او " احمد شاه" جایگزین وی گشت. دولتی نیز به رهبری سپهدار (فنودال معروف) شکل گرفت. ترکیب دولت اساساً از فنودالهای "لیبرال" و خانهای بختیاری تشکیل شده بود لذا آنها منافع در تعمیق انقلاب و تحقق اصول ابتدایی دمکراسی نداشتند. همین مسئله در مورد مجلس دوم نیز صادق بود که در نوامبر 1909 تشکیل شد. لذا در اعتراض به عدم رسیده گی به خواسته های مردم، ادامه زد و بند با امپریالیست ها، کمبود و گرانی فزاینده نان در شهرها، بستن مالیاتهای جدید و غیره ، موجی جدید از طغیان های توده ای در شهرها و روستاها شکل گرفت. اینبار کارگران تلگرافخانه ها، چاپخانه ها و نیز کارمندان وزارتخانه ها نیز دست به اعتصاب زدند و به موازات آن تحریم کالاهای خارجی نیز به مورد اجرا درآمد. دولت سپهدار نتوانست در زیر بار این بحران سیاسی و اقتصادی دوام آورد، لذا در جولای 1910 جای خود

را به مستوفی الممالک داد، بی آنکه تغییری در سیاستهای دولت پدید آمده باشد، همین نخست وزیر جدید بود که فرمان محاصره دستجات فدایی تحت امر ستارخان و دستگیری او را در تهران صادر کرد. در اواسط سال 1911 قدرت دولتی مجدداً بدست سپهدار افتاد. اینبار او با کمک قوای نظامی روسیه (در شمال) و بریتانیا(در جنوب) آخرین مقاومت های انقلابیون را در هم شکست و بدین ترتیب، انقلاب مشروطه 1911-1905 بی آنکه به بسیاری از مطالبات دمکراتیک و انسانی دست یابد، به هزیمت کشیده شد.

فوریه 2004

(ادامه دارد)

منابع:

- 1- ریشه های انقلاب ایران، نوشته نیکی آر. کدی (ایرانشناس آمریکایی)
- 2- تاریخ نوین ایران، نوشته " م.س. ایوانف" (ایرانشناس روس)
- 3- تاریخ بیست ساله ایران، نوشته حسین مکی
- 4- انگلیسی ها در میان ایرانیان، نوشته " دنیس رایت "
- 5- روابط انگلیس و روس (1917-21) نوشته " آر. اچ. اولمن "
- 6- ناسیونالیسم در ایران، نوشته " ار. دابلیو. کاتام "
- 7- ایران: در گذشته و حال ، نوشته " ویلبر "

با ما ارتباط بگیرید

سر دبیر تک برگی

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان 49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان 33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etchadchap.com

فرج سرکوهی ، پس از شکست " اردوگاه واقعا موجود اصلاح طلبان !"

علی یوسفی

آقای فرج سرکوهی را کسی نیست که نشناسد. وی قربانی خشونت عریان و لجام گسیخته رژیم است که هم اینک و در همین روزها دارد بیست و پنجمین سالروز حیات خود را جشن می گیرد. آقای سرکوهی علاوه بر اینها قربانی ناعادلتی حاکمیت سیاه دیگری به نام استبداد محمد رضا شاهی نیز بوده است.

بررسی کوتاه و مختصر نظرات آقای سرکوهی در مصاحبه اش با رادیو بی بی سی با عنوان " نه شرکت و نه تحریم " و همچنین مطلبی از ایشان با عنوان " انقلابی لطیف و مخملین در ایران؟ " که در روزنامه " نویه زوریشه زایتونگ " درج شده است، خالی از فایده نیست.

ایشان به عنوان بخشی از گرایشات متنوع و گوناگون در عرصه سیاست ایران، با اعلام شکست اصلاحات و تحقق نیافتن آمل و آرزوهای مردم و بخصوص جوانان، به رویکرد و گرایش به گفتگمانی در بین اکثریت مردم ایران اشاره می کند که از نگاه ایشان چیزی نیست جز تغییر قانون اساسی حاکم و ایجاد دگرگونیهای بنیادین از طریق انقلابی مخملین.

رد خشونت و حل مسئله از راه های مسالمت آمیز، که به باور ایشان رابطه ای تنگاتنگی با تجربیات تلخ ایرانیان در دورانهای گذشته دارد، شالوده باورمندی جدید آقای سرکوهی را تشکیل می دهد. ایشان در تنوریزه کردن آنچه که فکر می کند تنها راه برون رفت از وضعیت کنونی است، بشکلی هرچند پیچیده نه اما غیر قابل فهم، عمل کرده و در مصاحبه ها و متون نوشتاری خود انعکاس می دهد. این روش توسل به همان راهکار مضمومی است که سایر " کارشناسان مسائل ایران "، از جمله آقای بهنود، انجام می دهند. القاء نظرات از طریق عبور دادن خواننده گان خود از دالانهای پرپیچ و خم.

ماحصل نظرات آقای سرکوهی اما عبارت است از اینکه انقلاب کردن به شیوه سنتی به دورانهای سپری شده تعلق دارد. چرا که روندهای منتج از جهانی شدن که به باور ایشان دستاوردهای مثبت جهانی را یکجا با خود دارد، تحولات عمیقی در فلسفه سیاسی ایرانیان ایجاد کرده است که دوری جستن از خشونت و یا بعبارتی انقلاب از مصادیق بارز آنست. آقای سرکوهی آنگاه و پس از اینکه مطمئن شده است که ما نیز انقلاب را همان خشونت و محصول دوران جنگ سرد می دانیم، خود را بعنوان نماینده بارز گفتگمان رد خشونت محق و موظف می یابد تا به توضیح انقلاب ابریشمین مورد نظر بپردازد. انقلابی که فرار است تحولاتی بنیادین در ساختارهای سیاسی جامعه ایران ایجاد کند. آقای سرکوهی که حامدانه می گوشت تاریخچه بیزاری عمومی از نظام جمهوری اسلامی و خواست مردم ایران برای جدائی دین از حکومت و سایر مطالباتش را تنها به دو سال قبل تقلیل دهد، در اثبات رویکرد مردم به انقلاب مخملین بعنوان گفتگمان مقبول، می

گوید: " اکنون سوال اساسی اینست که کشورهای اسلامی که بیش از صد و پنجاه سال در نزاع دائم با سنت و مدرنیسم و سلطنت و مذهب بسر می برند، چگونه می توانند به دموکراسی دست یابند؟ پاسخ به این سوال در ایران روشن است. اکثریت مردم از حکومت اسلامی ناراضی اند. " آقای سرکوهی که قصد کرده است گوی سبقت را از دیگر همکاران مطبوعاتی خود برآید و خاک در چشم اردوی آزادی، دموکراسی و برابری بپاشد، در یک چشمبندی "ماهرا نه"، مبارزات دوره مشروطیت و مبارزات دوره ملی کردن نفت، قیام با شکوه بهمن و در نهایت مقاومت و ایستادگی اکثریت لگد مال شدگان جامعه ما در همین دوره نکبت بار جمهوری اسلامی را در تحلیلهای " درخشان " خود قلم می گیرد تا بتواند در میان گردو غبار به پاکردن و سخن گفتن از انقلاب در عرصه اطلاع رسانی، تمایل جوانان به انترنت و رایج شدن تمایلات ملی نسبت به فرآگیری زبان انگلیسی برای خروج از انزوا و ارتباط گیری با جهان و گوش دادن به رادیو های خارج کشور، ما را متقاعد کند که از طریق این داده ها نه تنها امید برای ایجاد جامعه مدنی و ایجاد تغییرات سیاسی بشکلی مسالمت آمیز فراهم آمده است، بلکه گونی شاگردان لونی اشتراوس، نو محافظه کاران آمریکا و بخشی از کابینه آقای جورج بوش نیز با تنوری جهانی کردن شان، در این راهپیمایی با ما همراهند. آقای سرکوهی معتقد است: " جهانی شدن یعنی اقتصاد بازار آزاد، گسترش لیبرالیسم و همزمان به اجرا در آوردن قوانین بین المللی " و سپس نتیجه می گیرد: " بر این پایه حمایت از حقوق بشر، هر چند با تفاسیر گوناگون، به عنصری مهم در سیاست خارجی اتحادیه اروپا و آمریکا تبدیل شده است. " بنابراین تعریف روشن می شود که گویا ما با جهانی کردن ارزشهای فرهنگ غرب روبرویم و نه بربریتی به نام سرمایه. کسی که بگوید: " بخشی از جناح های بانفوذ در آمریکا صدور ارزشهای غرب را بعنوان شروط اساسی جهانی شدن می دانند و دموکراتیزه کردن کشورهای اسلامی را مهمترین سلاح در مقابله با تروریسم قلمداد می کنند " در واقع چه چیزی را غیر از پوشاندن لباس مقدس بر این بربریت تبلیغ می کند؟ فرج سرکوهی، قربانی خشونت حکومت اسلامی، در توجیه تنوری انقلاب مخملین خود تا بدانجا در می غلطد که لشکرکشی ها و اشغال نظامی دیگر کشورها توسط آمریکا، یعنی خشونت آشکار، را صدور حقوق بشر آمریکائی و پیشروی دموکراسی پارلمانی قلمداد می کند. ایشان که این لشکرکشی ها را حامدانه به نهادهای بین المللی (سازمان ملل متحد) نسبت می دهد، می گوید که آنچه که در دوران جنگ سرد دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر تلقی می شد اکنون آنچنان گسترده از سوی نهادهای بین المللی اجرا می گردد که باید تعریف تازه ای برای حاکمیت ملی پیدا کرد پیام آقای سرکوهی در اینجا روشن است. وی با زبان بی زبانی دارد می گوید سخن گفتن از حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت در چنین شرایطی بدور از خردگرانی و مترادف با خودکشی است. چرا که بفرض هم بخواهیم سرنوشت خود را در سنگرهای انقلابی واقعی رقم زنیم، " نهادهای بین المللی " که برای صدور ارزشهای فرهنگی و پراکندن هر چه بیشتر موازین حقوق بشر مورد نظر خود از هیچ کوششی دریغ نکرده و نمی کنند، بر چنین کوششهای بدور از عقلانیتی مهر باطل خواهند زد.

در یک کلام آقای سرکوهی در تحلیلهای مشعشعانه اش بی آنکه لحظه ای به خود تردید روا دهد و احتمال وقوع صحنه نبرد نهانی

دنباله از صفحه پنج

فرج سرکوهی پس از شکست

را در جنگهای خیابانی و بعنوان تنها راه سرنگونی رژیم از سوی مردم ایران ببیند، در هیئت مدافع جهانی شدن نئولیبرالی مبتنی بر اشغال نظامی ظاهر شده و به غسل تعمید برنامه های تعدیل ساختاری که همان خصوصی سازی ها، کنترل زدانی، بیکار سازی ها می باشد، می پردازد. برآستی آقای سرکوهی از کدام ارزشها دارد دفاع می کند. ارزشهایی که بر این باور بوده و هست که این تنها مکانیسم بازار است که باید بر سرنواشت بشر حکومت کند؟ این نه جامعه بلکه اقتصاد است که باید قواعدش را بر جهان دیکته کند؟ آقای سرکوهی می خواهد نئولیبرالیسم را که دولتهای رفاه پس از جنگ جهانی را در تابوت کرده و اقتصاد کشورهای آمریکای لاتین را به نابودی کشانده و آلودگی محیط زیست را به معضل عمده جهان امروز تبدیل کرده است به عنوان شاخص حقوق بشر به بازار عرضه دارد و آنگاه فریاد آورد مردم بشتابید که راه رستگاری را یافته ام و اینست بهشت موعود که در کتابها از آن سخن رفته است. آقای سرکوهی آیا نمی داند که تهی کردن مردم از آرمانخواهی و ایجاد ترس و وحشت در آنان در صورت گذار به رادیکالیسم، تبلیغ همان سیاست شاگردان لونی اشتراوس و بازهای کابینه آقای بوش است؟ آیا وی نمیداند که طرفداران جهانی شدن نئولیبرالی شمشیرها را از رو بسته و حکم می کنند که چه کسی حق حیات دارد و یا ندارد؟

آقای سرکوهی در این راه علاوه بر به هیچ انگاشتن مبارزات صد ساله اخیر مردم ایران در راه آزادی و برابری و به سخره گرفتن این مبارزات، آشکارا دارد چالش موجود میان صدها و صدها هزار منتقد جهانی سازی با نئولیبرالیسم را نیز نادیده می گیرد. آقای سرکوهی در هنگامه ای که آکسیونهای سراسری و مردمی بر علیه جنگ و در دفاع از صلح انجام می گیرد و همه خبرها از تشکیل فوروم های اجتماعی جهانی بر علیه جهانی سازی و شکنندگی این تنوری گواهی می دهند و همگان شاهد اوج گیری جنبشهای اجتماعی متنوع در مخالفت با این پدیده از طریق همان انترنت و وسائل ماهواره ای که دریچه ای بسوی جهان پیرامون بروی مردم کشورمان گشوده است و ایشان نیز انصافاً از این وسائل بعنوان شکننده دیوار سانسور یاد کرده اند، هستند، از دستاوردهای نئولیبرالیسم سخن گفته و در پرتو آن امید به تغییرات مسالمت آمیز را به آیه ای مقدس تبدیل می کند. آقای سرکوهی مطمئن باشید که اگر دلخوشید که جوانان ایران و همه آتانی که بر اثر انقلاب در عرصه اطلاع رسانی به فراگیری زبان انگلیسی روی آورده اند تا با عینک شما، اخبار پیشروی کشورهای معظم سرمایه داری را دنبال می کنند، دچار اشتباهی فاحش هستید. شما دارید آشکارا به خودتان و به مردم دروغ می گویند. آنجا که می نویسید: "پس از پایان جنگ سرد و رفع خطر کمونیسم، حکومتهای استبدادی از حمایت کشورهای غربی محروم شده اند." اگر اینگونه است حمایت از طاعون طالبان در افغانستان، مشرف ها در پاکستان، کریموف در ازبکستان و حمایتهای میلیاردی از دولتهای فاسد ترکیه و اکثریت جمهوری های ماورای قفقاز و حتی همین ایران خودمان توسط

آمریکا و دیگر متحدانش از چه جنسند؟ حکومتهای این کشورها را قدم به قدم به "ایدئولوژی آمریکائی" مسلح کرده اند تا به جان مردم کشورهایشان انداخته و از این طریق به بی خانمانی و آوارگی آنان سرعت بیشتری بخشند. و آنگاه شما از ارزشهای غرب یاد می کنید. آیا این شرم آور نیست؟

آقای سرکوهی که در کشور آلمان زندگی می کند ممکن نیست که نداند برسر مردم آلمان شرقی سابق و پس از اتحاد دو کشور آلمان چه آمده است. برآستی کشورهای بلوک شرق سابق، رشد فحشاء، بیکاری، رشد سرسام آور نئونازیسم و نابودی همه دستاوردهای اجتماعی خود پس از فروپاشی "اردوگاه واقعا موجود سوسیالیستی" را مدیون کدام سیاست جهانی هستند؟ از نظر آقای سرکوهی، بیشک جهانی شدن سرمایه نمی توانسته و نمی تواند حاصل چنین سیاستی بوده باشد چرا که وی چند سطر قبل از این گفته است که جهانی شدن یعنی گسترش بازار آزاد و لیبرالیسم، که رعایت حقوق بشر از عناصر و ابزار بارز آن است. بنابراین شاید در یک چشم بندی دیگر مسئول همه این مصائب همه آتانی باشند که با لیبرالیسم و دموکراسی دشمنی می کنند. این دشمنان کس و یا کسانی نیستند مگر چپ سنتی و بنیادگرانی اسلامی که در پیوند با یکدیگر و در نزد مردم اکنون به ضد ارزش تبدیل شده اند. آقای سرکوهی برای اثبات انقلاب مخملین و بهشت موعود خود تجربه کشورهای بلوک شرق را بهترین نمونه دانسته اند. کشورهایی که از چاله رژیمهای استالیانی سابق در آمده و به چاه کشورهای سرمایه داری افتاده اند.

آقای سرکوهی و گرایش ایشان درست در موقعیتی که پروژه "اصلاحات واقعا موجود" توسط خود اصلاح طلبان به گور تاریخ سپرده شده است و بقایای آنان یا در ولایت فقیه ذوب گردیده و یا در زیر تیغ سرکوب قرار گرفته اند و وظیفه دفاع از حقوق انسانی اصلاح طلبان پرتاب شده از قدرت و جلوگیری از سرکوبشان نیز سرانجام بر عهده چپ جمهوریخواه و رادیکال خواهد بود، سربلند کرده و می خواهد مردم ما را از چاله ای به چاله ای بسیار عمیق تر رهنمون گردد.

نه آقای سرکوهی متشکریم، انقلاب ابریشمین شما سرایی بیش نیست. چرا که شما بر حقیقت خاک پاشیده اید. شما به جای کمک به شکلگیری تشکلهای مستقل اکثریت کارگران و زحمتکشان جامعه ما برای نبرد با ارتجاع سیاه جمهوری اسلامی، که همگان آرزومند وقوع مسالمت آمیز و مدنی آن هستند ولی رویارونی مستقیم و قهر آمیز را نیز گریزی نیست، امید این مردم را پا نسخه های آزموده شده خود، به پای ایدئولوژی نئولیبرالیسم ریخته و ذبح می کنید.

27 بهمن 82



نامه اعتراضی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری به خاتمی



در مورد کشتار کارگران اعتصابی در استان کرمان

- کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری که 151 میلیون کارگر را از طریق 233 مرکز اتحادیه ای در 151 کشور جهان نمایندگی می کند، بدینوسیله نگرانی بسیار شدید خود را از کشتار حداقل چهار کارگر و زخمی نمودن بیش از چهل کارگر در روستای خاتون آباد و شهرستان شهرابک در روز شنبه بیست و چهار ژانویه ابراز می کند
- حکومت ایران مسئولیت دارد که از کشتار و زخمی کردن کارگران توسط پلیس، هنگامی که کارگران حق قانونی اعتصاب را به اجر می گذارند جلوگیری نماید.
- با توجه به حدیث و نقل این وقایع، آی سی اف تی یو، چاره ای جز شکایت کردن علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران به کمیته آزادی تشکل سازمان جهانی کار ندارد

به: سید محمد خاتمی، رئیس جمهور اسلامی ایران
موضوع: کشتار کارگران اعتصابی در استان کرمان
تاریخ: 6 فوریه 2004

آقای رئیس جمهور:

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری که 151 میلیون کارگر را از طریق 233 مرکز اتحادیه ای در 151 کشور جهان نمایندگی می کند، بدینوسیله نگرانی بسیار شدید خود را از کشتار حداقل چهار کارگر و زخمی نمودن بیش از چهل کارگر در روستای خاتون آباد و شهرستان شهرابک در روز شنبه بیست و چهار ژانویه ابراز می کند. اسامی کارگران جان باخته به این شرح گزارش شده است: مهدوی، جوادی، مومنی و ریاحی.

بر اساس اطلاعات ما، این کارگران مجموعه ای از کارگران غیرماهر، کارگران ساختمانی و سایر کارگران ماهری را در بر می گرفتند که در امر ساختمان کارخانه ذوب مس در روستای خاتون آباد شرکت داشتند. کارفرمای آن ها، پیمانکاری است که ساختمان کارخانه ذوب مس را برای شرکت ملی صنایع مس ایران که با شرکت ملی فلزات غیرآهنی چین در این پروژه همکاری داشته است، ساخته است. طبق گزارشات این کارفرما به 1500 نفر از کارگرانی که در امور ساختمانی و آماده سازی کارخانه ذوب مس کار می کردند، قول قرارداد دائمی کار داده بوده است. اما با پایان امور ساختمانی، تنها 250 نفر را در استخدام نگه داشتند. کارگران بنابر این دست به اعتصاب زدند. کارگران اقدام به خودداری از کار و تحصن در کارخانه کردند که تا 24 ژانویه طول کشید. تحصن 8 روز ادامه یافت و به دنبال آن خشونت علیه آن ها به وقوع پیوست. بسیاری از کارگران و خانواده های آن ها، از جمله بسیاری از زنان سالمند، در

اعتراضات شرکت کرده و جاده اصلی منتهی به کارخانه و دروازه کارخانه را سد کرده بودند. آنان خواستار عقد قراردادهای دائمی بوده و بر علیه قراردادهای موقت کار، بیکار سازی ها و به تعویق انداختن پرداخت حقوق و مزایا دست به اعتراض زده بودند. ما آگاهیم که به علت ادامه تحصن و اعتراض، شورای تأمین استان، که آقای کریمی استاندار کرمان و سیف الله شهیدانژاد فرماندار شهرابک در آن عضویت دارند، تصمیم گرفت که نیروی امنیتی بیشتری به منطقه اعزام کند. در نتیجه، نیروهای گارد ویژه توسط هلی کوپتر از کرمان برای درهم شکستن اعتصاب اعزام شدند و این نیروها علیه کارگران معترض دست به خشونت زدند. درگیری متعاقباً به شهرابک سرایت کرد. پلیس بروی کارگران آتش گشود و حداقل چهار کارگر را به قتل رسانیده و ده ها نفر را زخمی نمودند. بعضی از زخمی ها در بیمارستان های سرچشمه و شهرابک بستری شدند و در شرایط وخیمی به سر می برند. تیمسار پاسدار، سردار محمدباقر قالیباف، فرمانده نیروهای انتظامی ایران، تأیید نموده است که پلیس بر روی تظاهرات کنندگان آتش گشوده و کارگران اعتصابی را به قتل رسانده است.

ساکنین منطقه به دنبال این حادثه در مقابل منازل مسکونی کارگران جانباخته اجتماع کردند و خواهان مجازات مسببین این جنایت شدند. تظاهرات و درگیری با پلیس برای چند روز ادامه داشت که منجر به بازداشت کارگران و خانواده های آن ها شد. بر اساس گفته های فرمانده نیروی انتظامی استان کرمان، سردار عیسی دریایی، 80 نفر در طول این حادثه بازداشت شدند که 15 نفر آن ها برای بازجویی در زندان نگه داشته شده اند. چنانچه شما خوب آگاه هستید، ایران موظف است که حقوق پایه ای کارگران در آزادی تشکل را بنا به عضویت آن کشور در سازمان جهانی کار رعایت نماید. بنابر این حکومت ایران مسئولیت دارد که از کشتار و زخمی کردن کارگران توسط پلیس، هنگامی که کارگران حق قانونی اعتصاب را به اجر می گذارند جلوگیری نماید.

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد از شما می خواهد که کلیه کارگران و خانواده های آن ها را که در رابطه با وقایع 24 ژانویه دستگیر شده اند، آزاد سازید. ما همچنین از حکومت شما می خواهیم که مسببین و مسئولین مرگ کارگران اعتصابی را شناسایی و مورد پیگیری قرار دهید.

علاوه بر این، ما اصرار داریم که شما دستور تحقیقات مستقل و بیطرفانه ای را در این مورد صادر کرده و نتایج آن را در اختیار عموم قرار دهید. ملاحظه آی سی اف تی یو این است که تحقیقاتی که شما دستور آن را پیش از آن دادید و توسط هیأتی از دفتر شما دنبال گردیده است، در انظار جامعه بین المللی تحقیقاتی مستقل و بی طرف منظور نمی گردد. این ملاحظات همچنین در ارتباط با تحقیقاتی که از طرف وزارت کشور و دفتر استاندار کرمان گفته می شود که صورت گرفته است، صدق می کند.

از این گذشته، ما از دولت شما می خواهیم که احترام به حق پایه ای کارگران به اعتصاب را در آینده تضمین نماید. در خاتمه، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد به اطلاع شما می رساند، با توجه به حدیث و نقل این وقایع، آی سی اف تی یو، چاره ای جز شکایت کردن علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران به کمیته آزادی تشکل سازمان جهانی کار ندارد.

آقای رئیس جمهور، متشکر خواهیم شد که مرا در ارتباط با هرگونه اقدامی که در این مورد صورت می دهید، مطلع نماید.

دبیرکل
آی سی اف تی یو

اعلام موجودیت

آغاز کار نهاد فرهنگی ی «نگذاریم بم فراموش شود» گوتنبرگ _ سوئد!

آزادی خواهان ایرانی، گردانندگان گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌های گروهی!

به آگاهی همگان می‌رسانیم:

پس از تدارک دو گردهمایی (شنبه ۱۷ ژانویه و چهارشنبه ۲۱ ژانویه برابر با ۲۴ دی و یکم بهمن ۱۳۸۲) در شهر گوتنبرگ سوئد، در همبستگی با مردم زلزله زده بم _ استان کرمان _ و تلاش برای به فراموشی نسپردن ژرفای این رویداد دهشتناک در دیدگاه همگانی جامعه سوئد، و همچنین در راستای همکاری با کوشندگان انجمن‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، گروه‌ها و سازمان‌ها در دیگر کشورهای اروپایی، کانادا و آمریکا، و نیز چشم‌انداز ایجاد یک نهاد جهانی برای نظارت، بازرسی و بازبینی کمک‌های مالی جهان به ایران، نهاد هماهنگی «نگذاریم بم فراموش شود» تشکیل گردید. نام، اهداف و وظایف ما به شرح زیر می‌باشد:

نام: نهاد هماهنگی نگذاریم بم فراموش شود، گوتنبرگ_ سوئد

نهاد هماهنگی، ارگانی فرا گروهی و فرا سازمانی است که همه‌ی ایرانیان مخالف کلیت رژیم جمهوری اسلامی و خواهان برکناری آن را، برای یاری رسانی به بم و نمونه‌های همانند آن زیر پوشش خود فرا می‌گیرد!

هدف‌های پایه‌ای نهاد هماهنگی ۰۰۰:

۱_ نگذاریم رویداد دهشتناک بم _ در هر هنگامه‌ای _ فراموش شود!

۲_ بردن ژرفای هولناک زمین لرزه به درون جامعه سوئد و آگاهی بخشیدن به دیدگاه همگانی جامعه جهانی!

۳_ نهاد هماهنگی با خواست فراهم آوردن یک نهاد جهانی جهت بازرسی و بازبینی کمک‌های جهانی به ایران کوشش خواهد کرد!

۴_ راهنمایی و ترغیب مردم در شناخت و نوسازی محیط زیست هم‌خوان خود با بافت بم و سراسر ایران که پیوسته با زمین لرزه و رخدادهای پیرامونی اش روبرو هستند!

۵_ ما بر این باور هستیم که رژیم جمهوری اسلامی خود به وجود آورنده نابسامانی‌ها، ناهنجاری‌ها و نیازمندی‌های هم اکنون کشور است. ما به این رژیم، ارگان‌ها و سازمان‌های وابسته به آن باور نداریم؛ بدینسان کمک‌ها و یاری رسانی‌ها را تنها از سوی نهادهای مردمی و آزاداندیش در دستور کار خود گذاشته ایم!

وظایف پایه‌ای نهاد هماهنگی ۰۰۰:

۱_ پیوند با گروه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های کوشا و خردمند ایرانی در پشتیبانی هدف‌های نهاد فرهنگی!

۲_ پیوند با نهادها و سازمان‌های سوئدی و دیگر ملیت‌های ساکن سوئد!

۳_ پیوند با نهادهای جهانی همچون پزشکان بدون مرز، خبرنگاران بدون مرز، صلیب سرخ، عفو بین‌المللی و غیره ۰۰۰

۴_ پیوند با رسانه‌های گروهی فارسی زبان و دیگر زبان‌ها و سایت‌های اینترنتی!

۵_ پیوند با انجمن‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی یاری رسانی به بم در دیگر کشورهای اروپایی، کانادا و آمریکا!

۶_ فرستادن آگهی‌های افشاءگرانه، آگاه‌کننده و تدارک گفتگوها و میزگردهای رسانه‌ای!

۷_ برپایی هفته همبستگی و همیاری با بازماندگان بم و استان کرمان در گوتنبرگ!

آزادی خواهان ایرانی شرکت کننده در گردهمایی چهارشنبه ۲۱ ژانویه ۲۰۰۴ برای پیشبرد هدف‌ها و وظایف «نهاد هماهنگی نگذاریم بم فراموش شود» از بین شرکت کنندگان در نشست، ۷ نفر از میان خانم‌ها و آقایان را برگزیدند که اسامی آنها به ترتیب الفبا به شرح زیر می‌باشد:

- ۱_ علی آینه ۲_ کاووس ارجمند ۳_ امیرجوهری
 - لنگرودی ۴_ خانم فائزه ۵_ علی فیاض ۶_ فرخ قهرمانی ۷_ خانم نسترن
- برگزیده شدگان نهاد فرهنگی در برابر مجمع عمومی دوره‌ای این نهاد پاسخگو هستند!

هیأت گردانندگان «نهاد هماهنگی نگذاریم بم فراموش شود» گوتنبرگ_ سوئد

فوریه ۲۰۰۴ برابر بهمن ۱۳۸۲



خبر مبارزات مردم در ایران



* در مریوان، بوکان، جوانرود و سروآباد، در منطقه کردستان، تظاهرات اعتراضی علیه حکومت و انتخابات نمایشی اول اسفند برپا شد

مردم شهر مریوان در منطقه کردستان، در اعتراض به انتخابات فرمایشی اول اسفند، در شهر تجمع کرده و ستادهای انتخاباتی را تعطیل کردند. حسن صلاح سوران، نویسنده و پژوهشگر کرد در این باره به گزارشگر رادیو فردا گفت: در روز دوم تبلیغات انتخاباتی مردم مریوان با حضور خودجوش خود، اکثر ستادهای انتخاباتی را در آن شهر تعطیل کردند و خواستار انتخابات عادلانه شدند. روز دوشنبه در ساعت شش بعد از ظهر مجدداً مردم شهر مریوان در خیابانها و در معابر عمومی تجمع کردند.

وی همچنین افزود: در شهرستان بوکان روز 22 بهمن درگیری اتفاق افتاده و مردم آمدند گفتند که ما کار نداریم، زندگی نداریم، الان 25 سال از انقلاب گذشته و کلا زندگی ما در بیکاری و فقر می چرخد و وقتی که ما وضعمان این است، برای چه جشن بگیریم. عده ای را هم بازداشت کردند. روی هم رفته اغلب مناطق کردنشین داخل ایران نسبت به این انتخابات اعتراض داشتند و خواستار انتخابات دموکراتیک بودند.

سایت پیک ایران نیز در گزارشی پیرامون اعتراضات مردم مریوان نوشت: بنا بر گزارشهای رسیده از مریوان شمار زیادی از مردم و جوانان این شهر در یک حرکت گسترده اعتراضی در میدان شیرنگ مریوان تجمع کردند و به شعار دادن و پاره کردن پوسترهای تبلیغاتی نامزدهای انتخابات پرداختند. تظاهرکنندگان به ستاد تبلیغاتی علی کریمی از نامزدهای شرکت در انتخابات حمله کرده و آن را در هم کوبیدند. معترضین در حالیکه شعار 'مرگ بر جاش' می دادند با چوب و سنگ شیشه های ستاد مزبور را در هم شکسته و پوسترها و عکسهای تبلیغاتی این نامزد انتخاباتی را پاره کردند و با ماموران حکومتی درگیر شدند.

بر اساس این گزارش در جریان این حرکت جسورانه که ساعتها به طول انجامید هر لحظه بر شمار معترضین اضافه می شد و ماموران حکومتی در وحشت از فوران خشم مردم جرات نزدیک شدن به آنها را نداشتند. مردم خشمگین مریوان در ادامه اعتراض خود ستاد تبلیغاتی علی کریمی نامزد انتخاباتی این شهر را تعطیل کردند. گزارش دیگری از شهر جوانرود حاکیست که هزاران تن از مردم و جوانان این شهر در جریان درگیری با ماموران انتظامی به ساختمانهای جوانرود حمله کردند. بر اساس گزارشهای رسیده این حرکت اعتراضی روز بیست و دو بهمن و دو جریان راهپیمایی نمایشی سالگرد انقلاب رویداد. شمار زیادی از جوانان و مردم این شهر که به زور به تظاهرات آورده شده بودند با سر دادن شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر رژیم ضد کرد به مقابله با پاسداران و نیروهای لباس شخصی برخاستند. جوانان معترض در برابر حمله نیروهای حکومتی با آنها درگیر شده و چندین خودروی دولتی را به آتش کشیدند. آنها سپس بانک بسیج جوانرود و چند مرکز دیگر را مورد تهاجم قرار داده و آنها را در هم کوبیدند. به رغم حضور گسترده نیروهای ضد شورش جوانان معترض به سمت قرارگاه اصلی این شهر حرکت کرده و آن را مورد حمله قرار دادند. خیزش جوانان و مردم جوانرود تا پاسی از شب ادامه داشت. در

جریان این درگیری تعدادی از تظاهرکنندگان دستگیر و روانه زندان شدند. آخرین گزارشها حاکیست که فضای شهر جوانرود تا چند روز ملتهب بوده است. همچنین در خود روز انتخابات (اول اسفند) نیز، در شهرهای مریوان و بوکان، شاهد حرکات اعتراضی جوانان بودیم

* درگیری شدید در شهر دهدشت و کشته شدن چندین نفر به علت تقلب در انتخابات توسط کاندیدای محافظه کار

بعد از آنکه تقلب کاندیدای محافظه کار مثل دوره های گذشته در انتخابات محرز شد مردم خشمگین دهدشت به خیابانها ریختند و کلیه ادارات دولتی و بانکها و منزل کاندیدای محافظه کار را تخریب کردند به گونه ای که شهر حالت جنگزده به خود گرفته است. آمار کشته و زخمیها متفاوت گزارش شده است. بین 2 تا 9 نفر کشته و 10 نفر زخمی گزارش شده است. آمار راهپایی که از صندوق بیرون آورده شده است سی هزار نفر بیشتر از آمار کسانی است که طبق آمار رسمی وزارت کشور شرایط رای دادن دارند. دلیل اصلی بالا بودن آمار شرکت کنندگان در انتخابات این شهر تقلب بالا می باشد.

آخرین گزارش دریافتی

از دهدشت خبر می رسد که دیشب حداقل یک نفر کشته شده و تعدادی زخمی شده اند، دیشب به کرات صدای شلیک گلوله به گوش می رسید و شیشه های بانکها و اماکن دولتی شکسته شد.

دلیل اصلی این درگیریهای دهدشت یک نماینده مجلس می باشد، کاندیدایی که دوم شد و گویا به کمک فرماندار دهدشت باعث این درگیریها شد. امشب (یکشنبه شب) از ساعت 9 به بعد حکومت نظامی اعلام شده.

* جمعی از مردم گناوه و بوشهر در محل فرمانداری های این دو شهرستان تجمع کردند.

بدینال راهپایی شکرالله عطارزاده از اعضای قدیمی حزب موتلفه اسلامی از حوزه انتخابیه بوشهر گناوه و دیلم به مجلس جمعی از مردم گناوه و بوشهر در اعتراض به نحوه شمارش آرا و تخلف در توزیع هزاران برگ تعرفه به نفع این کاندیدای مجلس هفتم در مقابل ساختمان فرمانداری های این دو شهرستان تجمع کردند.

تجمع کنندگان نسبت به توزیع و بخش بیش از پنج هزار برگ تعرفه که موجب راهپایی شکرالله عطارزاده و شکست احمد دشتی زاده رقیب وی شد خواستار باطل کردن پنج صندوق در چند شعب اخذ رای شدند.

هرچند احمد دشتی زاده از کاندیداهای جناح راست می باشد اما بدلیل "معتدل" بودن وی نسبت به شکرالله عطارزاده از حمایت بیشتری در این دوره برخوردار بود.

احمد دشتی زاده بیش از 20 هزار رای و عطارزاده نیز 23 هزار رای این حوزه را کسب کردند.

عطارزاده مدیر مسوول هفته نامه محلی "لیان" همواره با مقاله ها و تحلیل های تند خود علیه دولت و اصلاح طلبان جناح حاکم بخصوص محمد دادفر نماینده فعلی مردم بوشهر و گناوه و دیلم را ملحد و ضد دین و مخالف انقلاب اسلامی معرفی کرده است.

* تشنج شدید در بلوچستان

به نوشته سایت پیک ایران، از تعداد یکصد و پنجاه هزار نفر واجدین شرایط در شهر زاهدان شصت درصد مردم در انتخابات شرکت کرده اند که از این تعداد حدود دویست هزار نفر رای داده اند! آرای



حال چند تن از مجروحان حوادث امروز ایذه وخیم است و معترضین چندین ساختمان و اتومبیل دولتی را به آتش کشیده اند. در پی این حوادث ادارات و بانکها تعطیل شده اند. چندین هلیکوپتر نیروی نظامی تاکنون از آهواز اعزام شده اند و شهر همچنان دچار آشوب و ناامنیت است.

تاکنون دهها نفر مجروح شده اند و ساختمانهای فرمانداری و دادگستری به اشغال معترضین درآمده صدامی تیراندازی و آمبولانس از سطح شهر بگوش میرسد. اعتراضات در پی آن شروع شد که کاندید مورد حمایت انحصارطلبان (سید جمال طباطبایی) بطور غیر منتظره و با تعداد آرای بسیار بالاتر از حد تصور به عنوان برنده انتخابات اعلام شد.

آخرین خبر
مرگ سید عباس موسوی نماینده سابق ایذه در مجلس شورای اسلامی در پی ضرب و شتم توسط ماموران!
طبق اخبار رسیده سید عباس موسوی نماینده سابق ایذه در مجلس که در انتخابات هفتم رد صلاحیت شده بود، پس از بحث لفظی شدید با یکی از مسئولین عالیترتبه قضایی و دست به یقه شدن با او توسط محافظان وی مورد ضرب و شتم شدید قرار میگیرد و متعاقب آن به علت شدت جراحات در بیمارستانی در تهران بستری و به حالت کما میروند. طبق آخرین اخبار، گویا بعثت صدمات شدید درگذشته است.

* تجمع اعتراضی در شهر ری

مقارن ظهر پنجشنبه 30 بهمن حدود 2000 نفر از مالباختگان مجتمع مسکونی شهرری با تحصن در مقابل این مجتمع ها نسبت به دروغگویی ها و کذب و خلف وعده و عوامفریبی مسئولین نسبت به ساخت واحد مسکونی جایگزین اعتراض نمودند. لازم به ذکر است حدود 3 ماه پیش در پی اختلاس و حشمتاک 20 میلیارد تومانی از حدود پنج هزار نفر که همگی از محرومترین اقشار جامعه و کارگر و کارمند بودند، توسط مالکین مجتمع که همگی از ابادی حکومت بودند (غیوری نماینده ولی فقیه قدیری مشاور بیت رهبری و بنویدی بساز و بفروش و سرمایه دار معروف) مالباختگان اعتراضات گسترده ای به راه انداختند که منجر به آتش زدن 20 دفتر فروش این مجتمعها شد.

تجمع اعتراضی که از ظهر امروز شروع شده بود رفته رفته گسترش یافت و در ساعت 4 بعد از ظهر به حدود 7000 نفر بالغ گشت. در این حال با شایع شدن این مساله که غیوری از رانت خوران بزرگ حکومتی و کلاهبردار اصلی این پروژه در حالی که هر دم محروم را از هست و نیست ساقط کرده است مبلغ پنج میلیارد تومان از هزینه تبلیغات انتخابات باند مولتفه (آبادگران) را متقبل شده است... شعاع های مردم که ابتدا علیه مالکان مجتمع بود رنگ و بوی سیاسی گرفت و به شعار علیه مسئولین حکومت تبدیل گشت.

در این حال یک نفر از نیروهای حکومتی پشت بلندگو رفت و پس از سخنانی عوامفریبانه اعلام کرد: >>>... این تجمع که در شب انتخابات برگزار شده توسط دشمنان نظام طراحی شده است! وهدف از آن کم رنگ کردن انتخابات است و یک توطئه و اقدام علیه امنیت ملی است. پس از آن جمعیت حاضر که از این سخنان عصبانی شده بود وی را هو کرده و به وی سنگ پرتاب کردند که موجب فرار وی و همراهانش گردید. در ساعت پنج بعد از ظهر در حالی که جمعیت به حدود 7 تا 8 هزار نفر می رسید و خیابانهای اطراف کاملا مسدود شده بود در این حال که ظاهرا رژیم از این تجمع اعتراضی آن هم در شب انتخابات فرمایشی به شدت نگران شده بود... سیلی از نیروهای امنیتی و یگان ویژه را با تجهیزات کامل ضد شورش ودهها الگانس و پاترول و اتوبوس... راهی منطقه کرد. در ساعت 6 بعد از ظهر در حالی که صدها نیروی یگان ویژه منطقه را محاصره کرده بودند مانع از حرکت مردم شده و متقابلا مردم خشمگین نیز با آنها درگیر شدند در همین حال شعارهای بسیار تندی از سوی مردم سرداده می

واقعی شهر زاهدان بدین شرح می باشد: آقای پیمان فروزش شصت و نه هزار رای-2 آقای ضیاءخزایی شصت و سه هزار رای و آقای شهریار پناه هزار و چهارصد رای آورده اند که از این تعداد پناه هزار رای هدیه به آقای شهریار رسیده است که آرای وی به یکصد هزار و چهارصد رای رسیده است. حال شما عزیزان خود محاسبه نمایید که چگونه ممکن است از یکصد و پناه هزار رای واجدین شرایط حدود نصف جمعیت در تحریم به سر برند ولی حدود دویست هزار برگ رای شمارش شود و در نتیجه شهریار محافظه کار که در واقع نفر سوم بوده است با بیش از یکصد هزار رای اول شود! به نظر شما این ممکن است؟ (شهریار: حسینعلی نام دارد و از پیروان خط امام و یک تشیع خشک مذهبی و کاملا محافظه کار و ذوب در ولایت است که با تقلب در شهر زاهدان؛ اول شد) همچنین در خاش آقای بشنگ از مجموع سی و پنج هزار رای واجدین شرایط تعداد سی و نه هزار رای به دست آورده است. آقای ربوشه در ایرانشهر بیش از جمعیت شهرستان ایرانشهر رای آورده است. این است وضع و حال مجلس هفتم: خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج؟؟؟ همچنین اوضاع شهرهای زاهدان، خاش و ایرانشهر به علت تخلفات انتخاباتی به شدت ملتهب و نگران کننده و تا حدودی در آستانه تشنج است.

* اعتراضات خیابانی مردم فیروزآباد فارس چند کشته داد

بعد از اعلام نتایج این حوزه با مشخص شدن اینکه روحانی با نام یونس سر چشمه ای به عنوان نماینده انتخاب شده، مردم از حدود ساعت 12 ظهر در اعتراض به این انتخابات به خیابان ریختند که این اعتراض مردم با عکس العمل پلیس روبه رو شد و مردم خشمگین بعد از درگیری با پلیس و کشتن یک مامور، شروع به تخریب بانکها و اماکن دولتی کردن که بر اثر آن تخریب ها بانک بسیج واقع در بولوار پاسداران به آتش کشیده شد و بانک ملی مرکزی واقع در میدان زند و چند بانک دیگر هم از جمله رفاه و صادرات هم تخریب شدند کسیه از ظهر به بعد از ترس به مغازه های خود نیامده و شهر میدان جنگ بین نیروهای نظامی و مردم خشمگین است نیروی پلیس با بسیج 2 فروند هلی کوپتر و نیروهای کمکی سعی در آرام کردن شهر دارد.

* درگیری در خورموج

یک روز بعد از انتخاب آقای سید محمد مهدی پور فاطمی نماینده اصلاح طلب با اکثریت آرا چماق بدستان به فرمانداری این شهر حمله کرده به کمک نیروی سپاه که از طرفداران شهریار نماینده چماق بدستان میباشد. این شهر در حالت اضطراری می باشد و در خواست کمک از بوشهر شده.

هنوز از آمار زخمیها اطلاعی در دست نیست.

* تظاهرات در ملکان

مردم شهرستان ملکان از پیر و جوان همه به خیابانها ریخته اند و مرد و زن در جلوی فرمانداری تحصن کرده اند با توجه به اینکه هفته قبل از طرف فرمانداری اعلام شده بود تعداد کل آراء شهرستان ملکان 45000 نفر واجد رای دادن می باشد ولی امروز بیش از 50000 هزار رای به دروغ گزارش داده اند و مردم خشمگین به خیابانها ریخته اند و پلیس و نیروهای گارد ویژه که مشخص نیست از کجا آمده اند مردم را متواری میکنند ولی مردم دست بردار نیست. و اوضاع خیلی وخیم می باشد.

* شورش خونین در ایذه (خوزستان)

مردم در حین حرکت شیشه های چند بانک را در خیابان جی شکسته اند. نیروهای انتظامی خیابانهای اطراف محل دفتر صندوق را بسته اند.

آخرین گزارش دریافتی :
ناآرامی در اصفهان

به دنبال بسته شدن صندوق محمد رسول الله اصفهان مردم دست به تظاهرات زده و شیشه های بانکهای منطقه رو خرد کردند به دنبال خیر بسته شدن فرض الحسنه کریم آل طه و فرض الحسنه محمد رسول الله در اصفهان، خیابان جی ویروبین به صورت کامل بسته شده است مردم در 3 محل از شهر تجمع زیادی کرده اند 1- دادگستری نیکبخت 2- میدان احمد آباد 3- دروازه دولت استانداری که تجمع در مقابل استانداری بیش از 25000 نفر است . تجمع نیروهای ضدشورش مشهود است . فرار است استانداری برای مردم سخنرانی کند. چندین مورد درگیری میان نیروهای موافق و مخالف بسته شدن فرض الحسنه ها ایجاد شده است. لازم به ذکر است خیر بسته شدن این فرض الحسنه ها 1 روز بعد از انتخابات اعلام میشود.

قاضی این پرونده قاضی طباطبایی جوانترین قاضی دادگستری اصفهان است و رییس شعبه امور جنایی است

* اعتراض اتحادیه چایکاران شمال

محمدرضا علوی املشی - سخنگوی اتحادیه چایکاران شمال - در گفت و گو با خبرنگار کشاورزی خبرگزاری ایسنا، در مورد طرح اصلاح ساختار چای گفت: « این طرح در عمل موفق نبوده است زیرا آن چیزی که در طرح نوشته بودند در عمل اجرا نشد.» او ادامه داد: « از سال 79 که شروع اجرای این طرح بود وقفه ایجاد شد و قولهایی دادند که ضعفها را برطرف کنند اما نه اینکه برطرف نشد بلکه بر ابهاماتش نیز افزودند.»

وی گفت: « یکی از دلایل شکست این طرح را می توان بحث واردات چای دانست. در این طرح پیش بینی شده بود که اگر واردات چای بخواهد صورت بگیرد باید با نظر موافق اعضای کمیته اصلاح ساختار و سپس تأیید شورای اقتصاد انجام شود. حال بحث ما این است که طرح این را می گوید اما وزراء شخصا می گویند چای باید وارد شود و این یک منافاتی است که در این طرح وجود دارد، از طرفی دیگر وزیر امور اقتصادی و دارایی کشورمان با سریلانکا پروتکلی را برای واردات چای امضا کرد که خلاف قانون است.»

علوی املشی ادامه داد: « قاچاقچیان چای برای دست اندرکاران بازار چای ایران افراد شناخته شده ای هستند، وزیر امور اقتصادی و دارایی اعلام کردند قاچاقچیان اصلی چهار نفرند و نامی از آنها برده نمی شود که برای خود من هم جای سوال است. کمیسیون تحقیق و تفحص باید این اسامی را اعلام کند و گزارش آن حاضر و آماده است و در مجلس موجود است، اما آنها نتایج را اعلام نمی کنند.»

* اعتصاب کارگران کارخانه ایران کف (گیلان)

روز 29 بهمن پیش از یکصد نفر از کارگران شرکت ایران کف به جهت عدم دریافت حقوق دست از کار کشیدند.

محمد یعقوبی، دبیر اجرایی خانه کارگر استان گیلان، در گفت و گو با خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، با اعلام این خبر گفت: کارگران شرکت ایران کف که 11 ماه حقوق معوق مانده خود را خواستار شدند، با بی توجهی مسئولان روبرو گردیده اند.

وی افزود: این کارگران به جهت اعتراض جاده اصلی رشت را مسدود کردند.

شد: ... اختلاس خیانت باکمک ولایت.....
ملت گدائی می کند اخوند خدائی میکند.....
ایران شده فلسطین ملت چرا نشستین.....
توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد.....
سیدعلی حیاکن، مملکتو رها کن.....
خاتمی خاتمی ننگت باد ننگت باد.....
شرکت در انتخابات خیانت خیانت.....
نهایتا پس از دو ساعت درگیری در ساعت 8 شب نیروی انتظامی مردم را متفرق کرد.

و در ساعت 9 شب در حالی که ترافیک بسیار سنگینی در خیابانهای اطراف و کمربندی جنوب تهران ایجاد شده بود نیروی انتظامی خیابانهای مسدود شده را باز کرد. این در حالیستکه معترضین گفته اند اعتراض و تحصن خود را در روزهای آینده ادامه خواهند داد. ضمناً گفته می شود تعدادی از مردم دستگیر و با مینی بوس منتقل شده اند.

* تجمع اعتراضی کارگران در اراک

85 نفر از کارگران کارخانه چپال اراک در مقابل فرمانداری این شهر، تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی و دریافت حقوقهای معوقه - 9 ماه گذشته - خود شدند.

نماینده کارگران معترض در گفت و گو با خبرنگار «همبستگی» گفت: مدیریت کارخانه مدعی است، به دلیل عدم دریافت برخی مطالبات خود، قادر به پرداخت حقوق کارکنان نمی باشد و این در حالی است که ماهها از ارایه شکایت کارگران به اداره کار، استانداری، فرمانداری و دادگستری می گذرد.

وی با اشاره به پرداخت عیدی و پاداش کارگران در بیشتر کارخانهها افزود: کارگران کارخانه چپال برای گذران زندگی و تأمین مخارج خانواده، ناچار به فروش وسایل منزل خود شده اند در حالی که پاسخ مسئولان در مقابل اعتراضهای ما، تنها تهدید به برخورد در صورت تجمع است.

* حرکت اعتراضی زلزله زده گان بم

خبرگزاری فارس: در ساعت 9/30 دقیقه صبح شنبه بخشی از اهالی شهر زلزله زده بم با تجمع اعتراض آمیز در میدان سرداران شهید این شهر خواستار رسیدگی بیشتر به امر امداد رسانی شدند.

به گزارش خبرنگاری فارس، این عده که بیشتر آنها از اصناف و بازاریان بم بودند تا ساعت 10 صبح که به حدود 100 نفر رسیدند پس از آن با شعارهایی که حاکی از نارضایتی از رسیدگی به آنها بود به سمت ستاد مرکزی امداد بم راه افتادند. آنها پس از تجمعی یکساعته در جلوی ستاد امداد و با اعلام اینکه درخواستهای آنها باید به گوش مسئولین برسد متفرق شدند.

لازم به ذکر است در این تجمع هیچگونه اتفاق خاصی روی ندارد و همه چیز به آرامی پیش رفت و پلیس نیز با دقت کامل به راهنمایی معترضین پرداخت.

گفتنی است مردم معترض خواستار پیدا کردن یک راه حل منطقی برای حل مشکل امداد رسانی شدند و همه چیز گویای این بود که آنها خواستار این هستند که بازار بم دوباره راه اندازی شود.

* تجمع اعتراضی در اصفهان

پیک ایران :

شب شنبه معاون دادستانی استان اصفهان با ظاهر شدن در شبکه استانی خبر از تعطیلی یک صندوق فرض الحسنه با حکم قضایی داد. امروز (یکشنبه) خیل عظیم سپرده گذاران در مقابل درهای بسته این صندوق تجمع کردند.